



نظریه شکاف‌ها، چارچوب تحلیلی اقدامات تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران

مرتمزی نوعی باغبان، امین کوشکی، حسین ایزانلو، آهانیه غلامی^۴

چکیده:

یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی جوامع بشری پدیده تروریسم است. کشور ایران همواره به دلایل مختلف در معرض پدیده تروریسم در ابعاد گوناگون بوده است. به همین دلیل بررسی علمی زمینه‌ها، علل، پیامدها و راه‌های مقابله با این پدیده یکی از ضروری‌ترین موضوعات پژوهشی است. پژوهش حاضر برآن است به بررسی تروریسم علیه کشور ایران بپردازد و با استفاده از نظریه شکاف‌ها، ریشه‌های آن را مورد بررسی قرار دهد. در همین راستا مهم‌ترین پرسش مطرح شده این است که چرا تروریسم علیه ایران وجود دارد و ریشه آن در چیست؟ براساس فرضیه این پژوهش، ریشه تروریسم را در یک شکاف اصلی و شکاف‌های فرعی است که با بار شدن بر شکاف اصلی، آن را تشدید می‌کنند. برای بررسی این مهم از روش کیفی و از منابع کتابخانه‌ای، داده‌ها و آمارهای ثانویه استفاده خواهیم کرد. نتایج بدست آمده بیانگر ارتباط مستقیم تروریسم با شکاف‌های اجتماعی است.

واژگان اصلی: تروریسم، طالبان، شکاف‌های اجتماعی، تهدید امنیتی، شکاف‌های مذهبی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
noeibaghban@um.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. دانش آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل امنیتی در عرصه جهانی و منطقه‌ای (به خصوص منطقه غرب آسیا)، پدیده تروریسم است. اگر بخواهیم به طور کلی نگاهی تاریخی به این پدیده داشته باشیم، خواهیم دید عمر تروریسم در منطقه خاورمیانه یا غرب آسیا به گذشته بسیار دور برمی‌گردد. اما بحث اصلی ما در رابطه با تروریسم، مربوط به قرن ۲۱ میلادی می‌باشد که امنیت ملی ایران و کشورها در این منطقه و حتی نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر که تروریسم به عنوان یک مسئله امنیتی و چالش جهانی شناخته شد، مقابله با آن برای کشورها به یک امر ضرور تبدیل گردید. البته لازم به ذکر است که تروریسم ضمن تهدید بودن برای برخی از کشورها ابزاری لازم و ضروری برای تحقق منافع ملی و رقابت در بازار سیاسی بوده است.

با این حال در جهت خاص‌گرایی در امر پژوهش، در این تحقیق به زمینه‌هایی که تروریسم سعی دارد با تکیه بر آن در ایران نفوذ کند و به بیانی موجب تروریسم علیه ایران است؛ پرداخته می‌شود. کشور ایران یکی از کشورهایی است که در معرض اقدامات تروریستی بوده است. در همین راستا مهم‌ترین پرسشی که در این زمینه به وجود می‌آید این است که تهدیدات تروریستی علیه ایران در چه سطح و مقیاسی هستند؟ و تروریسم در ایران از چه طریقی می‌تواند راه را برای ورود خود باز نماید؟ در ادامه پژوهش سعی خواهد شد برای سوال‌هایی که در ادامه به ذهن می‌رسد از جمله اینکه شکاف اجتماعی به چه معناست؟ مهم‌ترین شکاف‌های موجود در ایران چیست؟ و چه راهکارهایی برای مقابله با تروریسم از طریق پرداختن به شکاف‌ها وجود دارد؟ پاسخی متقن بیاوریم. مطابق آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، پدیده تروریسم در منطقه غرب آسیا و ایران بیش از هر چیز ریشه در یک شکاف اصلی که (بسته به زمان و فعالیت گروه‌های تروریستی با جایگاه متغییر در چارچوب تحلیلی) یا سیاسی و یا مذهبی و شکاف‌های فقر و محرومیت نسبی و عدم توسعه متوازن، شکاف جنسیتی و شکاف اجتماعی/نسلی به عنوان شکاف‌های فرعی بارشده بر شکاف اصلی دارد و این عوامل محرک‌هایی قوی برای همراه کردن بخشی از عوام جامعه با پدیده تروریسم هستند که باعث افزایش اقدامات تروریستی خواهند شد.

مطابق اهداف و فرضیه این پژوهش، به نظر می‌رسد که تروریسم بر شکاف‌های اصلی و فرعی که در سطح فراملی و فراملی وجود دارد، متمرکز شده است. در واقع مفروض ما این است که به نظر می‌رسد ریشه پدیده تروریسم به شکاف‌هایی (شکاف اصلی و شکاف‌های

فرعی) برمی‌گردد که در منطقه خاورمیانه و در ارتباط با ایران وجود دارد و این شکاف‌ها در امتداد با یکدیگر باعث تعمیق تروریسم شده‌اند. "واضح‌تر باید گفت شکاف‌های فراملی از یک طرف باعث تروریسم هستند و شکاف‌های فراملی هم همین‌طور و تروریست‌هایی که بر اساس این شکاف‌ها فعالیت می‌کنند در راستای یکدیگر باعث تعمیق بیشتر تروریسم می‌شوند."

در حالت کلی، یک شکاف اصلی و چندین شکاف فرعی وجود دارند که ریشه‌های تروریسم هستند. لازم به ذکر است که شکاف اصلی اقدامات تروریستی بعد پیروزی انقلاب اسلامی متغیر بوده به این معنا که در دهه اول انقلاب شکاف سیاسی یک شکاف اصلی برای اقدامات تروریستی بوده است و با گذشت زمان شکاف اصلی به شکاف مذهبی تغییر پیدا کرده است. که عبارت‌اند از: شکاف سیاسی / مذهبی به عنوان شکاف‌های اصلی و شکاف‌های فرعی که عبارت‌اند از: الف) شکاف توسعه (ب) شکاف جنسیتی (ج) شکاف‌های قومی (د) شکاف نسلی و غیره. دلیل اصلی انتخاب این شکاف‌ها به عنوان شکاف‌های تاثیرگذار بر تروریسم در ایران این است که رقابت‌های سیاسی، مذهبی و قومی و غیره علیه ایران، در داخل و خارج از ایران وجود دارند و این رقابت‌ها تاثیر مستقیم بر شکل‌گیری اقدامات تروریسم داشته و دارند. به عنوان مثال شکاف‌های مذهبی باعث رشد عقاید رادیکالی می‌شوند و برخی از گروه‌های تروریستی در غرب آسیا پشته‌های دینی برای اقدامات خود یافته‌اند. به عنوان مثال داعش یا جیش العدل یا جبهه النصره با تکیه بر انگیزه‌های مذهبی به وجود آمده‌اند و عملیات تروریستی در درون کشورها، مرزها و ورای مرزها اما بر علیه منافع ایران انجام داده‌اند. از طرف دیگر شکاف‌های سیاسی باعث رقابت‌های سیاسی دولتی و غیردولتی در داخل ایران و هم چنین نظام بین‌الملل شده است و به دلیل نبود بسترهای مناسب و شرایط لازم برای همگرایی سیاسی، تروریسم تبدیل شده است به راهکار حل و فصل اختلافات. برای نمونه گروه‌های تروریستی مجاهدین خلق (فعال در عراق و آلبانی یا مرزهای ایران) یا گروه‌های مبارز سیاسی هم چون تندر را می‌توان در این راستا ذکر کرد و حتی ترور شخصیت‌های نظامی و دانشمندان هسته‌ای و نجبگان، نمود تروریسم در غرب آسیا و ایران هستند که می‌توان یکی از دلایل آن را شکاف سیاسی دانست. لازم به ذکر است که تروریسم علیه ایران، صرفاً مربوط به گروه‌ها نمی‌شود و تروریسم دولتی ناشی از اقدامات دولت‌های متخاصم آمریکا و رژیم صهیونیستی هم قابل ذکر می‌باشد.

شکاف‌های قومی (که البته صبغه سیاسی نیز دارند) در مناطق غربی و شمال غربی ایران و همچنین مناطق جنوب شرقی دلیل اقدامات تروریستی بوده‌اند. با این وجود، محوریت اصلی

مبتنی بر شکاف سیاسی است و شکاف سیاسی (انقلابی-شیعی بودن نظام ایران) شکاف اصلی به حساب می‌آید. در ادامه به بررسی این مطالب می‌پردازیم.

تعریف مفاهیم

الف) تروریسم

سال‌های بسیاری است که جهان درگیر پدیده وحشتناک تروریسم شده است. قبل از تعریف این مفهوم باید گفت به طور معمول تروریسم هم در متن مقاومت خشونت‌آمیز در برابر دولت و هم در خدمت منافع دولت رخ می‌دهد. در واقع اگر ما بر روی تروریسم در جهت تغییر سیاست‌ها علیه دولت‌ها تمرکز کنیم، به کارگیری عمل از پیش برنامه‌ریزی شده یا تهدید به خشونت نمادین و سطح پایین توسط سازمان‌های توطئه‌گر را در نظر گرفته‌ایم. اما باید در نظر داشت خشونت تروریستی یک پیام سیاسی را منتقل می‌کند. اهداف آن فراتر از آسیب رساندن به منابع مادی دشمن است. بنابراین تروریسم می‌تواند از جانب هر دولت یا گروه و سازمانی رخ دهد. از همین رو، عوامل مختلفی وجود دارد که می‌توان گفت مطالعات در زمینه تروریسم کافی نیست از جمله: ۱- عدم وجود مطالعات تجربی قابل توجه در مورد عوامل بین‌المللی؛ تعدادی از تجزیه و تحلیل‌های کمی در مورد خشونت جمعی، ترور، درگیری‌های داخلی و جرایم وجود دارد، اما هیچ یک از این پدیده‌ها با مبارزات تروریستی یکسان نیست. ۲- توافق داخلی کمی بین چنین مطالعاتی وجود دارد و اتفاق نظرانی که شخص می‌باید برای مطالعه تروریسم چندان مفید نیست. به عنوان مثال، "تد رابرت گر" دریافت که کشورهای "مدرن" خشونت کمتری نسبت به کشورهای در حال توسعه دارند و مشروعیت رژیم از خشونت جلوگیری می‌کند. با این وجود، اروپای غربی سطح بالایی از تروریسم را تجربه می‌کند. با کمال تعجب، در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۷۰، از ۸۷ کشور، ایالات متحده دارای بالاترین تعداد مبارزات تروریستی بود. (Crenshaw, 1981: 381)

در تعریف علمی تروریسم معمولاً بین خشونت‌های انجام شده توسط دولت و غیردولتی تفاوت قائل می‌شوند. در همین راستا "تروریسم" اغلب به صراحت به عنوان نوعی خشونت که توسط بازیگران غیردولتی انجام می‌شود در نظر گرفته می‌شود. در بسیاری از موارد، همین امر در مفهوم‌سازی تروریسم ضمنی است. از طرف دیگر، در دیگر تعاریف، تفاوت بین

خشونت‌های اعمال شده توسط دولت و غیر دولت را اصلاً تشخیص نمی‌دهد. در آن صورت، "تروریسم" چیزی است که دولت‌ها و همچنین بازیگران غیردولتی می‌توانند درگیر آن شوند. در مقاله‌ای مشهور درباره "علل تروریسم"، مارتا کرنشاو^۱ می‌نویسد تروریسم هم در خدمت منافع دولت و هم در برابر دولت‌ها اتفاق می‌افتد. از دیدگاه اخلاقی نیز، دیوید رودن^۲ استدلال کرده است که مفهوم تروریسم می‌تواند در مواردی که خشونت به سمت غیرمبارزان سوق داده شود، در مورد خشونت دولت نیز صدق کند. از سویی دیگر، ترور به اقداماتی گفته می‌شود که برای گسترش ترس توسط کشورها طراحی شده‌اند به همین جهت، "از بالا به پایین" کار می‌کند. این کشور نیست که باید تحت تأثیر قرار گیرد، بلکه مردم هستند. با ترور، یک کشور با وجود مؤسسات خود شوک ایجاد می‌کند و ترس را برای کنترل خود ایجاد می‌کند. همانطور که لوفورثاس^۳ گفت: "ترور در خدمت بنیاد است" (Schinkel, 2009: 188).

ب) امنیت

در فرهنگ فارسی عمید، امنیت به: «در امان بودن، ایمنی، بی‌ترسی، آرامش و آسودگی» معنا شده است. همچنین در فرهنگ علوم سیاسی، امنیت به معنی تضمین ایمنی، یعنی قراردادهای تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال بروز جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه و قصد حفاظت از صلح به عنوان شرط طبیعی بین دولت‌ها؛ مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع.

در ادبیات کلاسیک امنیت به صورت مفاهیم معنایی به کار رفته است. در این ادبیات از نظر لغوی امنیت دو بُعد دارد؛ بُعد عینی یعنی حفاظت در مقابل خطر و بُعد ذهنی که به معنی فقدان تهدید و احساس وجود امنیت و رهایی از تردید است. (Buzan, 1991:52) به طور کلی امنیت مفهومی است که متوجه یک پدیده و اصل اساسی است و آن حفظ وجود خویش به عنوان بالاترین منفعت است. (مرادیان، ۱۳۸۹: ۵۶) در این چارچوب، امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت ملی است تا از تهدیدهای مستقیم ناشی از خارج در قبال بقای رژیم، شهروندان و شیوه زندگی شهروندان خود جلوگیری کنند. (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۲)

^۱Martha Crenshaw

^۲David Rodin

^۳Leforthas

مفهوم امنیت از جنگ جهانی دوم به بعد ابعاد بیشتری به خود گرفت. بر همین اساس در ادامه مسیر تاریخی تبیین مفهوم امنیت، دیدگاه‌های نوینی ظهور کردند و به انتقاد از مفهوم امنیت در ادبیات کلاسیک پرداختند و معانی جدیدی را ارائه کردند. (روشندل، ۱۳۳۸: ۴-۳) اما دیدگاه‌های جدید امنیت، بین انگاره‌های سنتی و مدرن تفاوت قائل شدند. در امنیت مدرن دولت دیگر اصلی‌ترین عنصر امنیت نیست بلکه جامعه و عناصر اجتماعی کشور و دولت در مبحث امنیت مهم هستند و تهدید نظامی به شدت اهمیت و ارزش خود را از دست داده است و ابعاد فردی و اجتماعی امنیت اهمیت پیدا کرده‌اند. در اصل نگاه به تهدید خارجی به نگاه به تهدید داخلی معطوف شده است. به طور مثال، در مکتب آبريستويث (مکتب امنیتی ولز) که متأثر از مکاتب فرانکفورتی و گرامشی است، تمرکز اصلی بر فرد و رهایی فرد است و دولت و امنیت ملی به عنوان عامل تهدید شناخته می‌شود و تهدید امنیتی یعنی این که فرد تحت تاثیر دو مورد ذکر شده نتواند نقش آفرینی کند. (قیصری، ۱۳۹۱: ۹۶)

با این تفاسیر، می‌توانیم دریابیم که واژه امنیت در طول زمان توسعه مفهومی داشته است. اگر در گذشته تهدید دولت‌ها علیه یکدیگر، عامل ناامنی بود، الان خود دولت‌ها را به عنوان عامل تهدیدزا در نظر می‌گیرند. به طور مثال، یک تعریف از امنیت را که بعد غیر نظامی دارد، لارونی‌مارتین آرائه داده است که می‌گوید: «امنیت یعنی تضمین رفاه آتی. این مفهوم یعنی این که اگر دولتی نتواند رفاه را تضمین کند، امنیت جامعه را به خطر انداخته است.» (Smith, 2006: 44) اما تعریف دیگر از امنیت وجود دارد که بیان می‌کند؛ امنیت به معنی تداوم وضعیت امن و عناصر موجود در طول زمان در مقابله با تهدیدها و منازعات است. (Smith, 1996: 96)

روش پژوهش:

روش مورد استفاده ما در این پژوهش روش کیفی-تفسیری است. روش‌های تحقیق کیفی امروزه مجموعه‌ای متنوع هستند که شامل رویکردهایی مانند پدیدارشناسی تجربی، نظریه زمینه‌ای، مردم‌نگاری، تحلیل پروتکل و تحلیل گفتمان می‌شوند. با یک تعریف رایج (Polkinghorne ۱۹۸۳)، اکثراً این روش‌ها به جای داده‌های عددی، بر داده‌های متنی و

اسنادی تکیه می‌کنند و از شکل‌های تحلیل داده‌ها مبتنی بر معنا به جای آماری استفاده می‌کنند. در این روش از مشاهده، مصاحبه و گفتگو، اسناد و دیگر منابع کیفی برای جمع‌آوری داده استفاده می‌شود. از روش شناسی کیفی تفسیری به عنوان موج دوم روش شناسی یاد می‌شود که یک نوع روش شناسی انسان محور است. (نظری، ۱۳۹۶: ۳۰) در روش شناسی کیفی نیاز است که مطالعات مرتبط با موضوع صورت پذیرد و به نوعی داشتن ادبیات پژوهشی یک عامل مهم است. در روش شناسی کیفی صرفاً تأکید بر داده‌های متنی نیست و میتوان از داده‌های کمی برای تایید داده‌های متنی و تفسیر آنها بهره برد. (نظری، ۱۳۹۶: ۳۲)

پیشینه پژوهش:

در زمینه مباحث تروریسم در خاورمیانه پژوهش‌های بسیار جامع و کاملی انجام گرفته است. هر کدام از این پژوهش‌ها با در نظر گرفتن یک چارچوب نظری یا روش پژوهش خاص و البته مولفه‌های گوناگون به بررسی این پدیده در خاورمیانه پرداخته‌اند. در این بخش به جهت آشنایی با این پژوهش‌ها برخی از آنها را بررسی می‌نمایم

از جمله این پژوهش‌ها، مقاله امیر ساجدی تحت عنوان "ریشه‌یابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر گسترش تروریسم در خاورمیانه" است. در این مقاله نگارنده مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تروریسم را بررسی می‌کند از جمله: به خانواده، قدرت‌های استعماری و نظام‌های دموکراتیک، مذهب، حقوق بشر، قومیت‌گرایی و جهانی‌سازی و ... را نام می‌برد و در نهایت بیان می‌کند هر کدام از عوامل به اندازه‌ای در شکل‌گیری تروریسم نقش دارند و در عین حال تأکید دارد بعضی از عوامل نسبت به دیگری ریشه‌ای‌تر هستند. (ساجدی، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۶۰) پژوهش دوم تحت عنوان "افراط‌گرایی مذهبی و بحران امنیت انسانی در خاورمیانه (مطالعه موردی عراق و سوریه ۲۰۱۴-۲۰۱۸)" است که نگارندگان آن کیوان حسینی و جمال محفوظیان هستند و در آن ضمن پرداختن به علل شکل‌گیری تروریسم که ریشه آن را در افراط‌گرایی دینی می‌دانند، به بررسی تأثیر تروریسم بر ابعاد امنیت انسانی نیز پرداخته‌اند. مفروضه در این پژوهش این است که در خاورمیانه تروریسم که ریشه در افراط‌گرایی دینی در سوریه و عراق و در قالب داعش و النصره و غیره متجلی شده است، بر کاهش سطح امنیت انسانی در این کشورها و در خاورمیانه تأثیر مستقیم داشته است. (حسینی و محفوظیان، ۱۳۹۸: ۷۳-۹۱)

در موردی دیگر می‌توان به مقاله‌ای تحت عنوان "بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه" نوشته دکتر بصیری و دیگران است. در این پژوهش، نگارندگان با استفاده از نظریه بازی‌ها به تحلیل شکل‌گیری تروریسم در خاورمیانه پرداخته‌اند. فرضیه این تحقیق این است که علل اصلی شکل‌گیری و تداوم تروریسم در خاورمیانه، در واقع رقابت‌های بازیگران منطقه و فرامنطقه است که باعث شده است این پدیده در خاورمیانه به وجود بیاید و معتقداند که بازیگران برای تحلیل رفتار بازیگران در مقابل با تروریسم از مدل بن بست استفاده کرده‌اند. سحر کریمی نیز در مقاله «نحوه و چگونگی پیدایش و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی (بررسی موردی دولت اسلامی عراق و شام)»، شکل‌گیری داعش را محصول اندیشه تکفیری و هدایت منازعات فرقه‌ای توسط بازیگران سیاسی منطقه دانسته است.

جعفر یوسفی نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران سوریه و عراق» به ایفای نقش کشورهای قدرتمند در بروز بحران در این دو کشور منطقه غرب آسیا اشاره کرده است. در جستاری دیگر سید علی نجات با طرح «گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها» به تأثیری که شکل‌گیری این گروه تروریستی بر سیاست‌های امنیتی ایران خواهد داشت پرداخته است. ایوب حیدری نیز در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ و گسترش تروریسم و افراطی‌گری در خاورمیانه و شمال آفریقا (با تأکید بر فعالیت‌های داعش)» می‌گوید دلایل بروز تروریسم در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان در زمینه‌های مختلف از جمله سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جست و جو کرد.

در هیچ کدام از پژوهش‌های بالا به ارتباطی که عوامل دخیل در شکل‌گیری تروریسم با یکدیگر دارند اشاره نشده است. در تحقیق حاضر برآنیم با استفاده از نظریه شکاف‌ها علاوه بر توجه به زمینه‌های شکل‌گیری تروریسم علیه ایران به پیوند میان آن‌ها اشاره کرده و راه‌حلی متناسب با آن پیشنهاد دهیم. لازم به ذکر است با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش‌های بسیاری در دانشگاه‌های اروپایی، غربی و شرقی جهان انجام گرفته است و ظرفیت بررسی همه آن‌ها وجود ندارد اما سعی شده است از آن منابع برای این پژوهش استفاده گردد که در بخش منابع ذکر می‌شوند.

مبانی نظری

نظریه شکاف‌های اجتماعی در واقع یکی از نظریاتی است که مربوط به جامعه‌شناسی است،

با این حال تلاش‌های جامعه‌شناسان کلاسیک برای تحلیل چگونگی شکل‌گیری شکاف‌ها در گذشته وجود داشته است. به بیان بهتر شکاف‌ها بر اساس سه اصل تعارض، تضاد و تقسیم در آثار جامعه‌شناسانی هم چون مارکس (با نظریه شیوه تولید) و وبر (با نظریه عقلانیت) و دورکیم (با نظریه تقسیم کار اجتماعی) در گذشته پدیدار گشت. با این حال، نظریه شکاف‌ها مربوط می‌شود به حوزه دموکراسی و انتخابات و جامعه‌شناسی جدید. (بشیریه و قاضیان، ۱۳۸۰: ۴۰)

اگر بخواهیم این نظریه را دقیق‌تر و در قالب یک جمله بیان نماییم باید بگوییم که این نظریه "به دنبال این است که مبانی تکوین گروه‌های اجتماعی را بررسی کند. در چارچوب این نظریه یکی از دلایل شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی وجود شکاف‌های اجتماعی است که فعال یا غیرفعال هستند و یا تاریخی هستند و تصادفی و یا ساختاری‌اند. (بشیریه، ۱۳۹۴: ۹۹-۱۰۰)

شکاف‌های اجتماعی در واقع بیانگر شکافی است که محل اختلاف دو گروه یا دو دولت یا گروه با دولت است. از حیث سیاسی شکاف‌های اجتماعی تنها زمانی اهمیت می‌یابند که منافع سیاسی نخبگان، احزاب و جنبش‌ها آن‌ها را از اهمیت سیاسی و نمادین برخوردار سازند و سازماندهی در پیرامون آن‌ها شکل گیرد». (نیوتون و دث، ۱۳۹۰: ۲۷۲)

در اینجا لازم است اشاره شود شکاف‌ها در طول زمان افزایش پیدا کرده‌اند و باعث پیچیدگی فراوان شده‌اند. به بیان روشن‌تر، شکاف‌هایی که در گذشته‌ها وجود داشته‌اند محدود به یک یا دو شکاف بوده‌اند اما در عصر جدید با گسترش تکنولوژی و این شکاف‌ها افزایش پیدا کرده است. با توجه به کابردی بودن نظریه شکاف‌های اجتماعی از اهمیت این نظریه کم شده است هر چند از سوی برخی نظریاتی هم چون نظریه تغییر ساخت اجتماعی، نظریه تجهیز شناختی، نظریه افزایش ستیز ارزشی و نظریه فشارهای سیاسی کلان به چالش کشیده شده است. (بشیریه و قاضیان، ۱۳۸۰: ۴۵-۵۳) با وجود این مباحث نظریه شکاف‌ها از توان لازم برای تحلیل گروه‌های اجتماعی برخوردار است.

در زمینه شکاف‌های اجتماعی، چند نوع شکاف ذکر شده است که عبارتند از: "شکاف‌های متراکم" که در این شرایط جامعه دوقطبی و کشمکش‌ها بیشتر می‌شود. نوع دیگر شکاف اجتماعی، "شکاف متقاطع" است که شکاف‌ها یکدیگر را قطع کرده زمینه منازعه کاهش می‌یابد. خود این شکاف‌ها انواع گوناگونی دارند که به طور خلاصه عبارتند از: جامعه تک شکافی فعال، جامعه دو شکافی متوازی، جامعه تک شکافی متراکم، جامعه دو شکافی متقاطع و جامعه سه شکافی متقاطع.

(بشیریه، ۱۳۹۴: ۱۰۳-۱۰۴) یکی از شکاف‌های در جامعه، شکاف متراکم است. به این صورت که یک شکاف اصلی و عمده وجود دارد و تمام شکاف‌های موجود بر آن شکاف بار می‌شوند و همانطور که گفته شد باعث می‌شود که کشمکش در جامعه افزایش پیدا کند. مثلاً ممکن است در یک جامعه یک شکاف مذهبی عمده وجود داشته باشد که عده‌ای خواستار سکولاریسم باشند اما عده‌ای نه و سایر شکاف‌ها مثل شکاف جنسیتی، محرومیتی، نابرابری و غیره بر این شکاف بار شوند و باعث افزایش کشمکش یا تنش در جامعه شوند. (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

گروه‌های تروریستی ایران

امنیت در ایران محصول سیاست‌های منطقی حکومت ایران در قبال اقدامات تروریستی است. ساختار دفاعی و دکترین نظامی در ایران تاثیر قابل توجهی بر دفع تهدیدات در ایران داشته است. با این حال اقدامات تروریستی علیه ایران توسط بازیگران گوناگون شکل گرفته است که یا توسط گروهک صورت گرفته یا به واسطه حمایت دولت‌های مخالف ایران از این گروهک‌ها عملی گشته و یا به صورت مستقیم توسط دولت‌ها اقدامات تروریستی صورت پذیرفته است. بازیگران بین‌المللی به علت ضعف در میدان سیاست دست به اقدامات خصمانه در میدان نبرد غیر مستقیم می‌زنند (بخوانیم تروریسم) به امید اینکه با این اقدامات بتوانند به اهداف خود برسند. حال، قبل از بررسی ارتباط شکاف‌های اجتماعی با اقدامات تروریستی در ایران لازم است که به فعالیت‌های تروریستی و عوامل تروریستی علیه کشور ایران بپردازیم. گروه‌های تروریستی در ایران یا ریشه تاریخی دارند و در طول تاریخ وجود داشته‌اند و یا با پیروزی انقلاب اسلامی تغییر رویه دادند و یا با پیروزی انقلاب اسلامی و تولد نظام جمهوری اسلامی ایران متولد شدند. جدول زیر به برخی از مهمترین گروه‌های تروریستی که در ایران فعالیت داشته‌اند می‌پردازد.

فعالیت تروریستی علیه ایران

R	برخی از اقدامات	عامل تروریسم	ریشه اقدام
---	-----------------	--------------	------------

سیاسی	آمریکا	حذف کودتای نوژه حمایت از گروهک های تروریستی ^۱ ، ترور سردار سپهد حاج قاسم سلیمانی ^۲	(۱)
سیاسی	اسرائیل	ترور افراد مرتبط با برنامه هسته ای ایران (محسن فخری زاده ^۳ ، مجید شهریاری، فریدون عباسی، مصطفی احمدی روشن، رضا قشقایی فرد، مسعود علی محمدی، داوود رضایی نژاد) ^۴	(۲)
سیاسی	حرکت النضال	حمله به رژه نظامی در سال ۱۳۹۷ و خرابکاری علیه تاسیسات خوزستان و اقدامات تروریستی علیه شهروندان فارس و عرب	(۳)
مذهبی - قومیتی	جندالله و جیش العدل (که ساختار جدید جندالله است)	حادثه تاسوکی در سال ۱۳۸۵ بمب گذاری در زاهدان و پیشین ترور ده ها پاسدار در سال ۱۳۹۱، شهادت ۱۸ مرزبان از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۶، ترور ۴۰ نفر از اعضای سپاه ^۵ حمله به فرماندهی انتظامی راسک	(۴)

۱. از جمله این موارد می توان به نقش امریکا در ایجاد و تقویت گروه های تروریستی داعش و حمایت از گروه تروریستی منافقین اشاره کرد. (اخوان، ۱۳۹۹، مقدمه)

۲. دونالد ترامپ، رئیس جمهور وقت امریکا، با برگزاری یک نشست خبری به دستور خود برای انجام عملیات تروریستی علیه فرمانده سپاه قدس انقلاب اسلامی ایران اعتراف کرد. (ایرنا، کد خبر: ۸۳۶۱۹۴۳۹)

۳. کتاب برخیز و اول تو بکش روایت رونن برگمن، روزنامه اسرائیلی است از تاریخ پنهان ترورها سازمان یافته، سازمان اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس موساد که در آن برنامه ریزی برای ترور دانشمندان هسته ای ایران از جمله شهید فخری زاده اشاره کرده است.

۴. (اقتصاد آنلاین: کد خبر ۳۷۱۵۴۷۰)

۵. گروهک تروریستی الاحوازیه در همان ساعات اولیه در مصاحبه ای با تلویزیون ایران اینترنتشال انجام این حمله را به عهده گرفت. (ایرنا، کد خبر: ۸۴۴۸۰۲۰۰)

۶. (ایرنا، کد خبر: ۴۷۳۴۶۱۱)

۷. (ایرنا، کد خبر: ۴۳۸۹۶۵۹)

۸. (تابناک، کد خبر: ۹۲۹۵)

سیاسی	مجاهدین خلق	ترور سپهبد صیاد شیرازی در سال ۱۳۷۸ ^۱ و ترور بیش از ۴۵۰۰ نفر از اقشار مختلف مردم که هویت آنها تایید شده است. ترورهای دفتر نخست وزیری که منجر به شهادت رئیس جمهور وقت محمد علی رجایی، محمدجواد باهنر و هوشنگ وحید دستجردی شد. ترور آیت الله خامنه ای در مسجد ابوذر تهران و هم چنین بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی که منجر به شهادت آیت الله بهشتی و ۷۰ نفر از یاران ایشان شد.	(۵)
سیاسی	گروهک تروریستی تندر	بمب گذاری حسینیه شیراز در سال ۱۳۸۷	(۶)
سیاسی-قومیتی	تجزیه طلبان کرد	عملیات تروریستی و حمله به مزریانی در غرب کشور از جمله میوان در سال ۱۳۹۰	(۷)
مذهبی	داعش	حمله مسلحانه به مرقد امام خمینی در سال ، حمله مسلحانه به مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۹۶، حمله به حرم احمد بن موسی شاهچراغ(ع) در سال ۱۴۰۱ با سواستفاده از فضای ملتهب جامعه ^۴	(۸)

(منابع: در پاورقی ذکر شده است)

در همین راستا باید بگوییم آرمان‌گرایی نظام انقلابی متأثر از مبانی هویتی و دینی، ساختار جدیدی را برای نظام بین‌المللی در سر می‌پروراند، زیرا ساختار کنونی را نادعادلانه ارزیابی می‌کند و با آرمان‌گرایی نظام دینی ناسازگار می‌داند و تحول نظام جهانی بر پایه حق و باطل است. این سیاست فاصله گرفتن روزافزون از کشورهای سلطه‌گر و تشدید اختلافات را با آن‌ها دامن می‌زند (براتی‌پور، ۱۳۹۴، ج ۱، ۴۱۶) از سویی دیگر تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی در ساخت دولت می‌تواند به انشقاق در وحدت ملی منجر شود. همانگونه که اشتراکات فرهنگی اعضای آن را به هم پیوند می‌دهد، افتراقات می‌تواند تنش‌ها و درگیری‌های شدیدتری را به وجود آورد.

^۱ . سازمان مجاهدین خلق مسئولیت اجرای این ترور را به عهده گرفت. (ایرنا، کدخبر: ۸۴۷۱۲۴۴۳)

^۲ . فهرستی از جنایت‌های سازمان مجاهدین خلق (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد خبر: ۵۶۳۷)

^۳ . (ایرنا، کد خبر: ۸۲۹۱۳۷۳۶)

^۴ . مسئولیت این اتفاق را داعش به عهده گرفت. (ایرنا، کدخبر: ۸۵۱۱۷۷۸۳)

مخالفان الگوی جمهوری اسلامی بر این باورند که نظام سیاسی ایران به دلیل عدم بی طرفی نسبت به ارزش‌ها و جوامع فرهنگی، سیاست‌های تفرقه‌انگیزانه و تبعیض‌آمیزی را به اجرا می‌گذارد که برای اقلیت‌های فرهنگی مخاطره‌آمیز است. (براتی‌پور، ۱۳۹۴، ج ۱: ۴۱۷) به همین جهت واکنش‌های خصمانه تروریستی یک اقدام سیاسی در قبال جمهوری اسلامی ایران است.

شکاف‌های اصلی و فرعی

شکاف اصلی

شکاف اصلی، شکافی است که دیگر شکاف‌ها بر آن‌ها بار می‌شوند و شکل‌گیری تروریسم را تشدید می‌کند. با توجه به ساختار جوامع خاورمیانه، بافت فرهنگی و تکیه بر نمودهای مختلف تروریسم علیه ایران، می‌توان دو شکاف سیاسی و مذهبی را شکاف اصلی در مورد ایران دانست. در واقع ماهیت انقلابی-شیعی نظام جمهوری اسلامی ایران که پشتوانه‌ای فرهنگی-تاریخی دارد؛ باعث ایجاد یک شکاف فعال شده است که شکاف‌های دیگر بر این شکاف فعال بار می‌شوند. لازم به ذکر است که بگوییم شکاف سیاسی و مذهبی هر دو محور اصلی اقدامات تروریستی در ایران بوده‌اند. اما شکاف سیاسی را میتوان شکاف اصلی در دهه اول انقلاب به حساب آورد و شکاف‌ها مذهبی را شکاف اصلی در دهه‌های بعدی انقلاب به حساب آورد. زیرا شکاف سیاسی به عنوان محور اختلاف سیر نزولی داشته و با نهادینه شدن مشی جمهوریت و مردم‌سالاری دینی نظام و تثبیت جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران، شکاف سیاسی جایگاه خود را به شکاف مذهبی داده است که بسیاری از بازیگران بین‌المللی از این شکاف مذهبی برای تحقق اهداف خود بهره‌برداری کرده‌اند. بنابراین در این بخش دو شکاف را به عنوان شکاف اصلی مطرح می‌کنیم. اما همانطور که گفته شده شکاف سیاسی بیشتر منطبق با دهه اول انقلاب و شکاف مذهبی منطبق با دهه‌های بعدی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

الف) شکاف سیاسی

در اغلب موارد، وسایلی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی به کار می‌روند بیش از خود آن هدف‌ها سیاسی هستند و با آینده ارتباط می‌یابند. (آرنت، ۱۳۵۹: ۱۴) و تروریسم از جمله این رفتارهاست، نوعی رفتار خشونت‌آمیز سیاسی که به دلایل سیاسی در وهله نخست در پی ایجاد ترس در دل جامعه یا بخشی از آن است. تفاوت تروریسم با اقدام انقلابی در این است که هدف

بلافاصل آن ایجاد وحشت در کوتاه مدت است و نه براندازی حکومت موجود. (طیب، ۱۳۸۲: ۱۱۷) زمانی که به ایجاد ترس در دل جامعه اشاره می‌شود باید به عواملی که باعث شکل‌گیری تروریسم در راستای ایجاد ترس شده است توجه نمود، شکاف‌های موجود در هر کشوری می‌تواند بستری مناسب را برای شکل‌گیری تروریسم فراهم آورد. مهم‌ترین شکاف موجود در ایران، شکاف سیاسی است که در سه بعد (۱) فعالیت گروه‌های معاند و معارض (۲) رقابت کشورهای منطقه با ایران و (۳) حضور کشورهای خارجی در منطقه نمود یافته است. در واقع، ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران، شکاف اصلی است که تهدیدات امنیتی را به وجود آورده است، چون رویکردهای نظام جمهوری اسلامی در مسائل مختلف هم چون مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی، حکومت بر محوریت ولایت فقیه و حمایت از مستضعفان جهان و مبارزه با استکبار جهانی، گزاره‌هایی است که بسیاری از دولت‌ها و طالبان قدرت برنمی‌تابند.

از همین رو، تروریسم همواره یکی از ابزارهایی بوده است که مورد استفاده این گروه‌ها قرار گرفته است و شکافی که آن‌ها را مستعد بهره‌گیری از چنین ابزاری کرده است، شکاف سیاسی است. در نتیجه، می‌توان محوریت عام نظام‌های حکومتی را سیاست دانست. بر این مبنا، سیاست، محور مشترک و شکاف اصلی تمامی فعالیت‌های تروریستی در ۴ دهه گذشته بوده است.

به عنوان نمونه، از جمله گروه‌های معاند با جمهوری اسلامی ایران می‌توان به گروه‌های سلطنت‌طلب (همچون انجمن پادشاهی ایران، تندر) و گروهک مجاهدین خلق که یک گروهک چپ‌گرا ضد نظام جمهوری اسلامی ایران است، اشاره کرد. این گروه‌ها در رقابت و عناد با حکومت ایران دست به اقدامات گوناگون تروریستی زده‌اند. مثلاً بمب‌گذاری حسینه شهدای شیراز در سال ۱۳۸۷ به دست انجمن پادشاهی یک نمونه آن است (پرسمان: ۱۳۹۲) و یا اقدامات تروریستی مجاهدین خلق در تیر ۱۳۶۰ که به شهادت شخصیت‌های تأثیرگذار و همراه با آیت‌الله خمینی در پیروزی انقلاب سال ۵۷ انجامید. همچون آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از اعضای حزب جمهوری اسلامی که ۲۷ تن از آن‌ها نماینده مجلس بودند. همچنین ترور محمدعلی رجایی و محمد جواد باهنر، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وقت، در ۸ شهریور همان سال، نمونه‌هایی از مبارز با حکومت ایران از همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری است. (ایسنا: ۱۳۹۹)

در رابطه با رقابت‌های سیاسی در منطقه مشخصاً باید به رقابت‌های سیاسی ایران با رژیم اشغالگر صهیونیستی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و دولت‌های همسایه مثل پاکستان و

ترکیه اشاره کرد. در راستای همین رقابت‌ها تروریسم به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم نمود یافته است. بُعد مستقیم آن به ترورهای دانشمندان هسته‌ای ایران برمی‌گردد که عامل اجرای آن رژیم اشغالگر صهیونیستی بوده است و بُعد غیرمستقیم آن نیز حمایت‌های مالی و تسلیحاتی کشورهای حاشیه خلیج فارس و رژیم اسرائیل از گروه‌های تروریستی در حال مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را دربرمی‌گیرد. کشورهای ترکیه و عربستان سعودی با رویکردی ایدئولوژیک منافع ملی را نادیده گرفته و با تأکید بر ایدئولوژی اخوانی-وهابی در سیاست خارجی به رقابت با ایران به عنوان یک کشور شیعی پرداختند. (ترابی و طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۱۲)

چنانچه ترکیه در سال‌های اول بحران سوریه به جای تلاش برای ایجاد ثبات در منطقه برای برکناری بشار اسد علوی و متحد ایران تلاش می‌کرد دولت سوریه در اختیار فردی با رویکردی همسو با آن‌ها در مسائل سیاسی سر کار بیاید. (ترابی و طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۱۲) از سویی دیگر، عربستان سعودی برای پیروزی در رقابت با ایران از گروه‌های سنی که به باور او میانه‌رو بودند حمایت می‌کرد تا دولت شیعه عراق و علوی سوریه را از میدان سیاست خارج کند. (ترابی و طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۱۳) ترکیه نیز با متهم نمودن ایران به ساختن امپراطوری فارسی بر محوریت شیعه تمرکز خود را بر حمایت از گروه‌های اخوانی نهاده که از جمله نتایج آن قدرت‌یابی کردها است. (ترابی و طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۱۲) در واقع شکاف سیاسی زمینه‌ساز ایجاد شکاف‌های قومی و مذهبی شده است و این شکاف‌های اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند.

بُعد سوم شکاف سیاسی، به رقابت کشورهای فرامنطقه‌ای با نظام انقلابی ایران به عنوان یک چالشگر جهانی است. به ویژه کشورهایی که در زمان رژیم پهلوی دارای منافع زیادی در ایران بودند و به واسطه شکل‌گیری انقلاب اسلامی منافع خود را در خطر دیدند. برجسته‌ترین این کشورهای فرامنطقه‌ای در تقابل با ایران پس از انقلاب اسلامی، آمریکا است. چرا که تقابل با استکبار و استعمار آمریکا خیلی پیش‌تر از پیروزی انقلاب ۵۷ بخشی مهمی از سخنان آیت‌الله خمینی را تشکیل داده بود و از همان روزهای آغازین پیروزی نیز این رویکرد مورد توجه قرار گرفت. چنانکه پس از تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان خط امام (ره) این تقابل رسمی و علنی گشت و در جنگ نفتکش‌ها، ایران و آمریکا هر چند محدود ولی وارد جنگ مستقیم شدند، اما رقابت پایان‌ناپذیر شد. شلیک موشک به هواپیمای مسافربری ایران در سال ۱۳۶۷ که منجر به شهادت بیش از ۲۹۰ نفر غیرنظامی شد.

حتی گفت و گوهای ایران و آمریکا در قالب مذاکرات ۱+۵ با محوریت مسائل هسته‌ای مانع از ترور فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سردار شهید قاسم سلیمانی توسط دولت امریکا نشد و این یک نمود بسیار مهم از تروریسم دولتی در قبال نظام اسلامی است. در واقع رشد تروریسم در خاورمیانه با حضور نیروهای اشغال‌گر در منطقه غرب آسیا همیشه یک رابطه مستقیم وجود داشته است. هر چند در تبیین خشونت نمی‌توان تنها عامل را اشغال نظامی دانست و از توجه به فرهنگ و هویت منطقه غافل بود اما با قاطعیت می‌توان گفت که آغاز تروریسم در خاورمیانه همیشه با اشغال خارجی همراه بوده است. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۴۵)

به بیان دیگر، دو گزاره تروریسم و حضور نیروهای خارجی در یک رابطه تکوینی با یکدیگر برای ایجاد خشونت قرار دارند تا زمانی که بازیگر خارجی با نفی همه مرزها، بقاء اجتماعی ضعیف‌تر را تهدید نکند، آن هویت تمایلی به خشونت نداشته و در عین حال بدون وجود این نوع هویت خاص نیز تهاجم خارجی نمی‌توانسته به خشونت تروریستی منجر شود. این نشان می‌دهد که هر چند اشغال و تهدید خارجی عامل شروع ترور است اما این پدیده در هر فضای هویتی نمی‌تواند آغازگر زنجیره خشونت و ترور باشد زیرا بعضی از فضاها فرهنگی به نوعی دیگر و متفاوت از ترور به مقاومت دست می‌زنند. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۴۵-۴۶) در نتیجه باید اشاره کرد واکنش در برابر تهدید به وجود آمده در هر فضای فرهنگی متفاوت است؛ هویت قومی، هویت مذهبی و هویت طبقاتی در یک جامعه ممکن است حضور داشته باشند اما آنچه مهم است خودآگاهی افراد نسبت به چنین هویت‌هایی است. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۴۷)

با این تفاسیر باید گفت شکاف سیاسی عامل بسیار مهم در وجود تهدیدات امنیتی و تروریسم در قبال جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب بوده است و با بار شدن دیگر شکاف‌ها (که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت) بر این شکاف، تروریسم تعمیق یافته است.

ب) شکاف‌های مذهبی

یکی از ویژگی‌های جامعه و بالاتر از آن یکی از ویژگی‌های طبیعت بشری در طول تاریخ این است که ملجأ و پناهگاه خود را در دین می‌جوید. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۹) برخی از پژوهشگران معتقدند بعد از پایان جنگ سرد، قسمت عمده‌ای از منازعات داخلی تبدیل به منازعات بین‌المللی شده است. در این نگاه بسیاری از این منازعات از مرزهای داخلی گذشته و مناطق دیگر را درگیر می‌نمایند. (ساجدی، ۱۳۹۵: ۴) از این رو، گروه‌های درگیر در منازعه

دارای پیوندهای مذهبی با دیگر گروه‌ها در دیگر کشورها هستند که برخی از اوقات این منازعات مذهبی تبدیل به منازعات منطقه‌ای می‌شود. می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل آن تفسیر متفاوت آن‌ها از دین است که سبب اعمال خشونت‌بار می‌شود. از آنجایی که در جوامع اسلامی دین عنصری اجتماعی و سیاسی می‌باشد، می‌توان گفت که دین بخشی از هویت جوامع کشورهای اسلامی است که منافع و کنش سیاسی را تعریف می‌کند و به حوزه سیاسی و بین‌المللی کشیده می‌شود. (ساجدی، ۱۳۹۵: ۴) در ادبیات سیاسیون غربی به چنین رویکردی بنیادگرایی اسلامی می‌گویند.

اصطلاح بنیادگرایی اسلامی را اولین بار جان فاستر دالس^۱، وزیر امور خارجه وقت امریکا در پی شکست دولت‌های بریتانیا و فرانسه در جریان «بحران کانال سوئز» در سال ۱۹۵۶ به کار برد. پس از آن، این اصطلاح در نگاه فرهنگ علوم سیاسی، گزاره‌ای است که به هر جنبش خواستار اجرای دقیق تعالیم قرآن و شریعت اطلاق می‌شود و مترادف با پویش مذهبی به ویژه حرکت‌های جهان سوم و جریان‌های اسلامی است. (کیلی و ماریت، ۱۳۸۰: ۲۵۱-۲۵۲) بعضی معتقدند بنیادگرایی یا جنبش احیاءگرایی اسلامی به معنای سیاسی کردن تمام احکام اسلامی و بازگشت به اصول است، هر چند که این کار مستلزم بازگشت مسلحانه باشد. (خامه‌یار، ۱۳۹۰: ۲۹)

کارن آرمسترانگ^۱ معتقد است در دنیای اسلام، گروهی از مسلمانان نگران دو موضوع هستند. اول از عرفی‌گرایی دنیای غرب متنفرند، به این دلیل که دین را از سیاست جدا کرد، و کلیسا را از حکومت. دوم آنکه بسیاری از آنان تمایل دارند که حکومت بر اساس شریعت اداره شود. (آرمسترگ، ۱۳۹۶: ۹۹) برای مثال در عربستان با روی آوردن گروه‌های وهابی تندرو به خشونت‌های پراکنده و گسترش اختلافات درون حاکمیتی یا همراهی بخشی از جامعه، برهم خوردن تعادل سیستم سیاسی که ثبات نزدیک به صد سال گذشته عربستان به آن وابسته بوده است را در پی داشته است. (ترابی و طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۱۳) از جمله مشکلات اصلی در عربستان مسئله وهابیت و نوع رابطه آن با حکومت است. به واقع پیوند تاریخی سعودی‌ها با وهابیت هم تداوم آل سعود را به دنبال داشته و احتمالاً تداوم آن را در آینده مشکل خواهد کرد. مشکل اصلی شکاف عمیق بین وهابیت رسمی مورد حمایت آل سعود و وهابیون خارج از حکومت است و

¹ John Foster Dulles
Karen Armstrong

در این زمینه می‌توان به اختلافات بین وهابیت رسمی با وهابیت تکفیری و جهادی صحوه و جریان لیبرال اشاره کرد. (ترابی و طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۱۹)

در نگاه بخشی از بنیادگرایان بین دین و فهم انسان از دین تفکیک وجود ندارد و یافته‌های خود را به نام دین به جامعه ارائه می‌دهند این همان تفسیر پدیدارشناسانه‌ای است که متفکرینی چون هوسرل مطرح می‌نمایند آن‌ها جامعه را ملزم می‌دانند که تفاسیر آن‌ها از دین چه خوب و چه بد بپذیرند و معیار عقل را در پذیرش آموزه‌های دینی حتی آن‌هایی که آزمون‌پذیراند دخالت ندهند زیرا دین را غیرقابل انتقاد دانسته و عقل انسانی را در نقد دین که به حوزه متعالی اختصاص دارد ناتوان می‌دانند. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۲۱) مصداق آن را می‌توان جریان رادیکال سلفی دانست، شروع این جریان به اواخر دهه ۸۰ میلادی می‌رسد؛ اینان هرچند بن‌مایه‌های فکری خود را از محافظه‌کاری گرفته بودند اما رویکرد و افکار جدیدی را به تفکر سلفی اضافه کردند. این گروه با اینکه به افکار سلفی اعتقاد دارند اما مقوله جهاد و اقامه شرع را بسیار برجسته کرده و درصدد تفسیر یک تئوری اسلامی از درون نصوص دینی می‌باشند. تفکر سلفی جهادی از سوی هیچ یک از علمای برجسته تئوریزه نشده و التقاتی از افکار ابن‌وهاب و ابن‌تیمیه است که با افکار کسانی چون سید قطب درهم آمیخته است. آغاز این جریان هرچند از گروه‌های مصری و اخوانی‌های رادیکال آغاز شد اما تجلی کامل آن در القاعده بود. شکل‌گیری القاعده از نقطه‌ای در نزدیکی مرز پاکستان، جایی به نام غار شیر، جایی که بن‌لادن با روس‌ها می‌جنگید آغاز شد. انفجار سفارت‌خانه‌های آمریکا در نیروبی و دارالسلام اولین اقدام تروریستی او بود. این تفکر نه تنها شیعیان و صلیبیون و یهودیها را دشمن خونی خود می‌دانست بلکه هر مسلمانی را که برخلاف نظر آنان می‌اندیشد را هم شایسته مرگ دانند. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۳)

شکاف بین شیعه و سنی ریشه‌ای تاریخی دارد که به زمان تاسیس حکومت صفویان برمی‌گردد. بعد از تاسیس حکومت صفویان همواره سعی شده است که از تاسیس حکومتی غیر از حکومتی شیعی در ایران جلوگیری شود. پس از انقلاب شکاف مذهبی فعال تر شد و تا به امروز گروه‌های افراطی مذهبی در مناطق مرزی اقدامات تروریستی زیادی را در جهت تحقق حقوقی که از آن خود می‌دانند، انجام داده‌اند. جیش العدل، جند الله و غیره از این دسته گروه‌ها هستند که صبغه‌ای مذهبی دارند و برای تحقق حقوق خود دست به ترور و شهادت مردم و نیروهای مسلح زده‌اند و از سوی دیگر شاهد اظهار نظرهای تند بعضی از بزرگان مناطق سنی‌نشین کشور

بوده‌ایم از جمله در ناآرامی‌های ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۱ امام جمعه مسجد مکی اهل سنت زاهدان از افرادی که با نیروهای امنیتی و نظامی درگیر شده بودند؛ حمایت کرد و آنگونه که روزنامه کیهان نقل کرده است وی در خطبه‌های نماز جمعه مدعی شده است قتل عام نمازگزاران بی‌دفاع نتیجه سیاست‌های تبعیض‌آمیز حاکمیت است.

مطابق فرضیه این پژوهش، شکاف مذهبی بعد از اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران پس از شرایط سیاسی و جنگی دهه اول انقلاب به یک ثبات رسید و رقابت سیاسی درون رژیم شد، شکاف سیاسی جای خود را به شکاف مذهبی داد و کشورها نیز از این شکاف برای گسترش تروریسم علیه ایران استفاده کرده اند و در دهه های بعد از دهه اول انقلاب، شکاف سیاسی جای خود را به شکاف مذهبی به عنوان شکاف اصلی داد.

شکاف‌های فرعی

شکاف‌های مذهبی، فقر و محرومیت نسبی و عدم توسعه متوازن، شکاف جنسیتی و شکاف اجتماعی/نسلی محرک‌هایی قوی برای همراه کردن بخشی از عوام جامعه با پدیده تروریسم هستند که باعث افزایش تروریسم خواهند شد.

الف) شکاف قومیتی

در جوامع خاورمیانه هویت قومی نقش بسیار پررنگی را ایفا می‌کند در اکثر این کشورها دولت با مرزهای جغرافیای خاص و حاکمیت و جمعیت مشخص وجود دارد اما اثری از هویت ملی نیست، کشورهایی که شکاف‌های قومی متعددی را تحمل کرده و توانایی لازم برای یک هویت منسجم ملی که همه افراد موجود در آن واحد سیاسی به آن احساس تعلق و وفاداری نمایند را ندارد. برخی معتقدند اساس این ملت_دولت‌ها، دستگاه‌های دولتی بوده که اصولاً به وسیله جوامع استعمارگر و بدون در نظر گرفتن واحدهای فرهنگی درون آن‌ها تأسیس شدند؛ چنین تعریفی با شرایط اکثریت دولت‌های موجود در خاورمیانه تطابق دارد. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۴۹)

شکاف قومیتی میان کردها با سایر اقوام منطقه از دیرباز وجود داشته است؛ کردها نژادی با حافظه تاریخی طولانی، زبان، سنن، آداب و رسوم و حتی پرچم‌های خاص خود در برابر اعراب و دیگر اقوام هستند که این موارد روی هم رفته از جنبه نرم‌افزاری کمک فراوانی به آن‌ها در فرآیند تجزیه طلبی و در نهایت استقلال احتمالی خواهد کرد. حمایت بعضی از دولت‌های منطقه فرصت را برای استقلال‌طلبی و مسلح شدن کردهای عراق فراهم کرد و آن‌ها توانستند

همه‌پرسی برگزار کنند (ترابی؛ طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۱۳)، در ایران نیز شاهد سه حرکت تجزیه‌طلبانه بوده‌ایم از جمله: تجزیه‌طلبان کردستان که از دوره پهلوی سبب تأارامی‌های در مهاباد بوده‌اند و اکنون نیز کمابیش شاهد حرکت‌های تجزیه‌طلبانه‌ای همچون حزب دموکرات کردستان ایران هستیم. گروه دوم حزب دموکراتیک الاحواز در خوزستان، بوشهر و مناطقی از جنوب فارس که ادعای تجزیه‌طلبی دارد که به حرکت‌های دوره شیخ خزعل بازمی‌گردد. سوم حرکت‌های تجزیه‌طلبانه گاموح و دولت پیش‌وری در منطقه آذربایجان که در گذشته از حمایت برخی کشورها همانند ترکیه و شوروی بهره می‌برد. (براتی‌پور، ۱۳۹۴، ج ۱: ۴۸۷-۴۸۸) در ترکیه نیز اردوغان برای جذب آراء مردمی تلاش نموده ملی‌گرایی و گروه‌های اخوانی را پیوند دهد که نتیجه اولیه آن گسترش شکاف ترکی- کردی در ترکیه بوده است. (ترابی و طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۲۰) این روند می‌تواند به الگویی برای سایر قومیت‌ها نیز در خاورمیانه قرار گیرد. (ترابی و طاهرزاده، ۱۳۹۸: ۱۳) که بعضاً شاهد تحرکاتی در ایران نیز هستیم. به عنوان مثال، ایسنا به نقل از خبرگزاری دفاع مقدس درباره آمار جنایت‌های این گروهک تروریستی تا سال ۱۳۹۶ می‌نویسد: «پژاک عامل شهادت بیش از ۳۰۰ شهروند ایرانی و همچنین مجروح شدن بیش از ۲۵۹ نفر دیگر است.» علاوه بر این در کارنامه این گروهک تروریستی «۲۴۸ مورد درگیری مسلحانه، ۷۱ مورد مین‌گذاری، ۵۳ مورد عملیات ترور، ۹ مورد بمب‌گذاری و ۸۰ مورد تهدید و ارباب دیده می‌شود.» (ایسنا؛ ۱۳۹۷)

ب) شکاف فقر و عدم توسعه (شکاف ساختاری و فقر)

شکاف درآمدی در کشورهایی که از منابع انرژی برخوردارند به دلیل سیاست‌های ایجاد رفاه، باعث شکل‌گیری طبقاتی جدید شده است. برای نمونه، ایجاد نامتقارن سه طبقه بالا، متوسط و پایین، از جمله نمودهای این فرآیند در کشورهای در حال گذار می‌باشد. تهدیدستی و فقر به علاوه نابرابری درآمدی، طبقات جدید اقتصادی دو چالش عمده هستند که دولت‌های جوامع جهان سوم از جمله ایران، عراق و... با آن دست به گریبان است. (ربیعی، ۱۳۸۹: ۲)

در همین راستا باید گفت یکی از پدیده‌های روانی شناخته شده ناامن‌ساز در جامعه، موضوع احساس فقر و نگرش جامعه نسبت به مسئله فقر می‌باشد. (ربیعی، ۱۳۸۹: ۱۸) با نگاهی به ملیت اعضای گروه‌های تروریستی در منطقه می‌توان به صحت این مدعا پی برد. برای مثال پایگاه اطلاع‌رسانی جماران به نقل از «الشارع المغاربی» می‌گوید: شهروندان عراقی در صدر

فهرست افراد پیوسته به داعش هستند و حدود ۳۵۰۰۰ عراقی به داعش پیوسته‌اند، پس از آن سوریه با ۲۵۰۰۰ نفر و سپس عربستان با ۱۸۰۰۰ نفر به نوبت در رده دوم و سوم قرار می‌گیرند. مسلماً انگیزه تمام این افراد کسب درآمد نبوده؛ اما بی‌تردید عده زیادی از این افراد با انگیزه‌های مادی به داعش روی آورده‌اند. (پایگاه اطلاع رسانی جماران، ۱۳۹۶)

بینر ادعا می‌کند که بیکاری جوانان باعث ایجاد شکاف بزرگ در اجتماع و همچنین گروه بزرگی از جوانان ناراضی می‌شود که بیشتر مستعد جذب در گروه‌های شورشی یا تروریستی هستند. او همچنین استدلال کرد که کشورهایی با نهادهای سیاسی ضعیف، بیشتر در معرض خشونت‌های ناشی از برآمدگی جوانان و ناآرامی‌های اجتماعی هستند. این ادعا با مطالعه بانک جهانی در مورد داعش تأیید شده است که نشان می‌دهد با وجود اینکه ۸۵ درصد از افراد تازه وارد این گروه، تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده‌اند، بسیاری از آن‌ها جوان بوده و دسترسی کمی به منابع یا شغل دارند. (Adelaja and George, 2020: 41-42)

برای مثال جنبش الاحوازیه که نام عامی برای گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب در خوزستان است و ادعای جدا کردن و استقلال خوزستان از ایران را با استفاده از عملیات مسلحانه و تروریستی دارد و تاکنون چندین عملیات تروریستی از جمله حمله به رژه نظامی در اهواز به سال ۹۷، که با حضور مردم و خانواده‌ها برگزار شده بود را دارد. با وجود اینکه انگیزه اصلی خود را قومی و نژادی می‌داند در جریان اعتراض مردم خوزستان به کم‌آبی و عدم رسیدگی به وضعیت آب شرب در منطقه‌ای که اغلب مردم آن کم‌برخوردار بودند، افرادی با پرچم این گروهک در این اعتراضات حاضر شدند (خبرگزاری مشرق: ۱۳۹۷). طبق تحقیقات صورت گرفته مبتنی بر تجزیه و تحلیل آماری شکاف اقتصادی در کنار شکاف مذهبی و قومی از مهمترین دلایل تروریسم در جنوب شرق و غرب ایران می‌باشد. (اسماعیل‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۱)

ج) شکاف جنسیتی

"الهه زیبا"، "روح زیبا"، کلیشه‌های رایجی هستند درباره زنان که باورپذیری «زن تروریست» را دشوار می‌سازد. در مطالعات اولیه پیرامون زن تروریست، شناسایی متغیرهایی هم چون افسردگی، بی‌پروایی، دیوانگی یا وجود یک واسطه (عمدتاً مرد) را عامل گرایش زنان به

تروریست دانسته‌اند اما در پژوهش‌های متأخر این فرضیه که عموم تروریست‌ها جامعه‌ستیزانند رد شده است. در نتیجه زنان عضو سازمان‌های تروریستی نیز نه دیوانه‌اند نه افسرده؛ پس باید علل دیگری را جست و جو کرد. (قریشی؛ احمدنژاد، ۱۳۹۷: ۲) به هر روی، اغلب پژوهش‌های مرتبط با تروریسم دارای یک گزارهٔ مشترک هستند: «بروز و ظهور تروریسم ریشه در فشار دارد» (قریشی و احمدنژاد، ۱۳۹۷: ۴)

دلایل و انگیزه‌های زنان برای پیوستن به گروه‌های تروریستی عموماً ناظر به این مسئله است که آنان خود را به مثابهٔ قربانیان فشارهای اجتماعی تلقی می‌کنند و برای برطرف نمودن آثار فشار، توسل به تروریسم را یک گزینهٔ مطلوب می‌دانند (قریشی و احمدنژاد، ۱۳۹۷: ۹). از جمله علل گرایش زنان به تروریسم و عضویت آنان در گروه‌های تروریستی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اندوه، یکی از انگیزه‌هایی که زنان و دختران را به سمت گروه‌های تروریستی سوق می‌دهد، غم است. عدم حضور مرد به عنوان تکیه‌گاه در زندگی زنان، آنان را از لحاظ مالی، احساسی و جسمی تحت تأثیر قرار می‌دهد. فقدان معشوق، بی‌عدالتی و ظلم در سرزمین‌های اشغال‌شده توسط بیگانگان، زن را به غم مبتلا کرده و به سمت انتقام روانه می‌کند. ۲. بیرون آمدن از انحصار جنسیتی غالب، گروهی از زنان به دنبال اثبات این هستند که جنسیت یک هویت ثابت بیولوژیک نیست و کردارها و روند اجتماعی شدن است که چنین گزاره‌ای را به وجود آورده است در واقع آن‌ها جنسیت را زادهٔ ساختارهای سیاسی، فرهنگی، گفتمانی و اجتماعی می‌دانند. ۳. حضور در خانواده‌های مردسالار، اینگونه زنان همیشه تحت فشاراند و به واسطهٔ استیصال در حل مسئله از طریق گفت و گو و عدم همراهی سایر اعضای خانواده در برطرف نمودن معضلات خانوادگی به شیوه‌های غیرمسالمت‌آمیز متوسل می‌شوند. (قریشی و احمدنژاد، ۱۳۹۷: ۹) ۴. رفع مشکلات مالی، در بعضی موارد، سلب شغل و معیشت به سبب مرگ همسر، پدر یا پسر موجب می‌شود خانواده حامی اقتصادی خود را از دست بدهد و امکان

^۱ تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای اروپایی نیز حکایت از آن دارند که دختران اروپایی از جمله در انگلیس و فرانسه علیرغم حضور در جوامع دموکرات به خاطر رفتار پدرانشان، افراطی شده و به گروه‌های تروریستی پیوسته‌اند. (قریشی؛ احمدنژاد، ۱۳۹۷: ۹-۱۰) چنانکه بیش از ۵۵۰ زن مسلمان از کشورهای غربی به داعش پیوسته‌اند و به خالفت اعالم شده در سوریه و عراق نقل مکان کرده‌اند. (سردارنیا؛ صفی زاده، ۱۳۹۷: ۱۱)

رفع نیاز از طرق مسالمت آمیز ممکن نباشد. زنان موجود در این خانواده‌ها، طعمه آسانی برای گروه‌های تروریستی تلقی می‌شوند به ویژه که عموماً مادران و دختران هستند که حاضراند برای زنده ماندن اعضای خانواده فداکاری کنند پس از مرگ این افراد در فعالیت‌های تروریستی، بازماندگان پول و پاداش مالی زیادی از سوی رهبران تروریست دریافت می‌نمایند. (قریشی و احمدنژاد، ۱۳۹۷: ۱۰). ۵. قربانیان آسیب‌های فیزیکی و جنسی، اغلب چنین زنانی برای تغییر وضعیت خود و رهاشدن از خانواده‌ای که مایه تحقیر آن شده‌اند، برای آنکه شرافت سابق خود را به دست آورند به گروه‌های تروریستی ملحق می‌شوند در این نگاه مرگ آن‌ها مقدس تلقی می‌شود و برای بازماندگان احترام به ارمغان می‌آورد. (قریشی؛ احمدنژاد، ۱۳۹۷: ۱۱). آنچه مشهود است در کشورهای خاورمیانه، فرهنگ، عادات، رسوم و مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیش از اسلام، حقوق زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (صبحایی و میرعباسی، ۱۳۹۹: ۲) همانطور که در بالا اشاره شد جامعه‌ستیزی می‌تواند از تبعات فشار اجتماعی باشد، ولی تنها انگیزه زنان برای پیوستن به گروه‌های تروریستی نیست، بلکه به گرایشات ایدئولوژیک آنان نیز باید اشاره کرد. از همین رو می‌توان گفت زنان عضو گروه‌های تروریستی در دو دسته جای می‌گیرند یا دخترانی هستند که با انگیزه‌های مذهبی - ایدئولوژیک مسیر خود را انتخاب کرده‌اند و به وسیله ازدواج با یک تروریست راه را برای خود هموار می‌نمایند و دسته دوم زنانی هستند که به همراه شوهران خود به دلایلی همچون احساس ناامیدی، به حاشیه رانده شدگی اجتماعی، مشکلات روانی یا انگیزه‌های ابزاری جنسیتی به (به طور خاص داعش) جذب شده‌اند. (سردارنیا و صفیزاده، ۱۳۹۷، ۱۴)

د) شکاف اجتماعی (نسلی)

منظور از شکاف نسلی، شکافی است که در مقطعی از زمان بین بزرگسالان و جوانان یک جامعه در زمینه فرهنگی به وجود می‌آید (غفاری و قاسمی، ۱۳۸۳: ۳). برخی از محققان معتقدند سرخوردگی ناشی از خواسته‌های ارضانشده، دلیل بسیاری از چالش‌ها و گرفتاری‌های کشورهای در حال توسعه است، از این روی که سبب سرخوردگی و به تبع آن پرخاشگری خواهد شد، انسان سرخورده در تلاش است از شرایطی که باعث شرایط حاضر اوست بگریزد و برای این منظور ممکن است به خشونت هم روی بیاورد. (همان، ۵) می‌توان گفت تروریسم دوام نمی‌آورد مگر اینکه نسل ماجراجوی جوان آن را حمایت کند. شاید این جمله، برای ایفای نقش جوانان در

مقوله تروریسم، اغراق‌آمیز به نظر برسد ولی با نگاه عمیق‌تر می‌توان به این مسئله مهم دست یافت. هر چند می‌شود به جای استفاده از اصطلاح شکاف نسلی از اختلاف نسل‌ها، تفاوت نسل‌ها، انقطاع نسل‌ها، گسست نسل‌ها یا هر چیز دیگری بهره برد، اما مقصود در این بخش همان گرایش جوانان به تروریسم ناشی از شکاف نسلی به عنوان یک عامل موثر در موفقیت تروریسم است. از بعد علمی مقوله شکاف نسلی، سه دیدگاه عمده وجود دارد، که عبارتند از:

الف) شکاف نسلی به عنوان یک امر واقعی یک شکاف بزرگ است.

ب) شکاف نسلی یک توهم ساخته و پرداخته دست رسانه‌هاست.

ج) شکاف نسلی گسست و تفاوت انتخاب نسل‌هاست. (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۷) برای شکاف نسلی انواع فرضیه را مطرح کرده‌اند که عبارتند از: ۱_ فرضیه چرخه زندگی یا سالخورده‌گی که قائل به طبیعی بودن شکاف نسلی است. ۲_ فرضیه دوره‌ای که شکاف نسلی را فرآیند تغییرات تدریجی تغییر ارزش‌ها می‌داند. ۳_ فرضیه گروه سنی که قائل به تفاوت زیاد بین نسل قدیم و جدید است. ۴_ فرضیه ترکیبی که ترکیبی از فرضیه اول و دوم است که قائل به تغییر ارزش بخاطر مقتضیات زندگی روزمره و افزایش نقش جوانان در زندگی است. از توضیحات بیشتر در رابطه با بحث شکاف نسلی می‌گذریم فقط ذکر این مطلب لازم است که بگوییم شکاف نسلی را بسیاری ناشی از عواملی هم چون گرایش به نیازهای فرامادی (بر اساس دیدگاه اینگلههارت و مازلو) و مسائل هم چون معنای زندگی، تفاوت فاحش سنی در جامعه یا تفاوت در اساس و هنجار (بر اساس دیدگاه تراوب و دادر) می‌دانند. (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۸-۶۱)

همانطور که گفته شد جوانان نقش مهمی در تدوام و پایداری و موفقیت پدیده تروریسم دارند. در زمینه حضور گروه‌های جوان از کودک تا جوان آمار دقیقی در دسترس نیست که بدانیم چه تعداد در گروه‌های تروریستی جذب شده‌اند، با این حال در ادامه آمار ارائه شده توسط سازمان‌های بین‌المللی را ارائه می‌کنیم ولی قبل از آن، دلایلی که جوانان به این گروه‌ها جذب شده‌اند را ذکر می‌کنیم: ۱_ بحران معنویت و توسعه سکولاریسم ۲_ بحران هویت در غرب ۳_ افزایش گرایش‌های افراطی اسلام ستیز ۴_ فشار و تبعیض‌های اجتماعی ۵_ فقر و انگیزه‌های مادی ۶_ نقش سرویس‌های امنیتی ۷_ مشکلات روانی در جامعه ۸_ روحیه نظامی‌گری ۹_ تحریف مفاهیم دینی هم چون خلافت، هجرت و جهاد و سواستفاده از آن‌ها ۱۰_ تبلیغات فزاینده گروه‌های تروریستی ۱۱_ خشونت و هیجان‌ات روانی. (آجیلی و مبینی کشه،

۱۳۹۵: ۲۳۰-۲۲۳) طبق آمار ارائه شده در سال ۲۰۰۹ فقط ۸ هزار کودک و جوان جذب گروه تروریسم بوکوحرام در نیجریه شده‌اند و در سال ۲۰۱۵، حدود ۱۰۰۰ کودک برای عملیات تروریستی جذب داعش شده‌اند. (UNODC, 2017:1). بر اساس آمار و گزارش‌های مختلف از قبیل گزارش مرکز بین‌المللی مطالعات افراط‌گرایی و خشونت سیاسی، پیوستن جوانان اروپایی به داعش از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ میلادی، روندی صعودی و فزاینده داشته است. بر اساس این گزارش در سال ۲۰۱۳ میلادی، ۱۹۷۳ نفر خارجی به داعش پیوسته‌اند. در گزارش مرکز مطالعات بین‌المللی افراط‌گرایی و خشونت سیاسی آمده است: در سال ۲۰۱۴ میلادی بین ۵ تا ۱۱ هزار نفر تروریست خارجی به داعش پیوسته‌اند. بر اساس گزارش این مرکز در سال ۲۰۱۵، میلادی بیش از ۲۰ هزار نفر تروریست جوان خارجی به عضویت داعش درآمده‌اند. (آجیلی و مبینی‌کشه، ۱۳۹۵: ۲۳۲_۲۳۳) این آمار وحشتناک نشان دهنده این است که تروریسم علیه ایران بسیار عمیق می‌یابد زیرا بسیاری از این گروه‌های تروریستی بر علیه ایران اقدام و در مناطق مرزی ایران فعالیت می‌کنند و همچنین با تبلیغ‌های مالی و ایجاد انگیزه مالی یا ایجاد روحیه قوم‌گرایانه به جذب جوانان می‌پردازند.

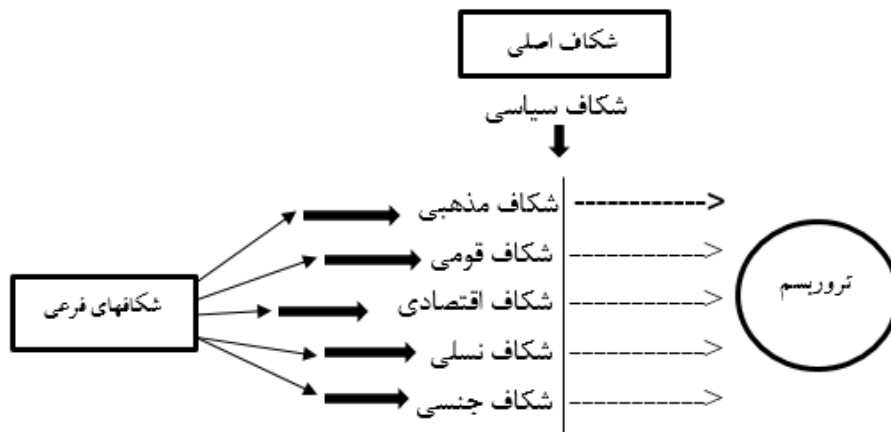
نتیجه‌گیری و ارائه راه حل

امنیت بزرگترین نعمت برای بشر است. اگر انسان در پی زندگی خوب است و آرامش می‌خواهد، امنیت آن را به ارمغان می‌آورد. اما برای تامین امنیت باید تهدیدها را شناخت. باید به صورت علمی و عملی به مقوله امنیت پرداخت. در همین راستا باید گفت تروریسم یکی از مهمترین تهدیدات امنیتی برای بشریت است. برای پرداختن به مقوله امنیت و بررسی تهدیدها می‌توان به ریسمان هر نظریه چنگ زد و از هر علمی هم چون روانشناسی و اقتصاد و علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی و نظریات اطلاعاتی بهره برد. یکی از نظریاتی که می‌توان از آن بهره‌مند شد نظریات شکاف‌ها از مباحث جامعه‌شناسی بود که در این پژوهش از آن استفاده کردیم.

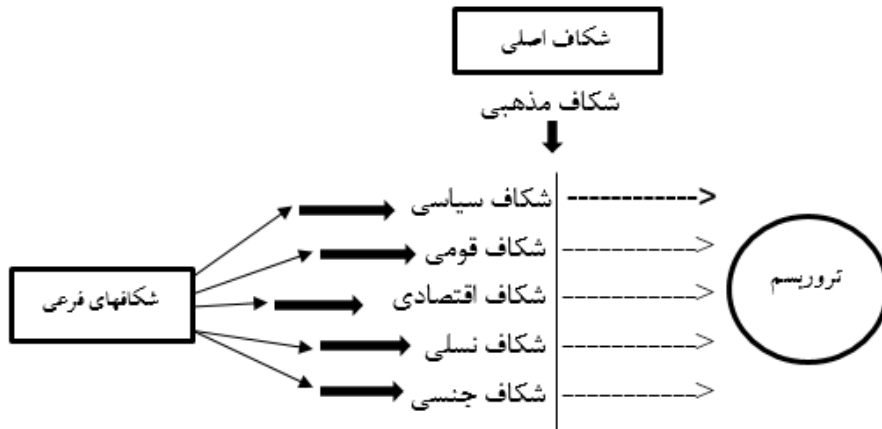
همانطور که در طول این پژوهش بررسی شد مشخص شد که علل رشد و نفوذ تروریسم می‌تواند ناشی از شکاف‌های موجود در منطقه باشد و همین‌طور بررسی گردید که بیشتر شکاف‌ها درون‌کشوری و ملی است. اما در عصر حاضر و بعد از حادثه یازده سپتامبر، تروریسم از حالت محلی خارج شده است و جنبه منطقه‌ای و بین‌المللی به خود گرفته است. تروریسم چه در بُعد

داخلی چه در بُعد بین‌المللی حاصل شکاف‌هایی است که بوجود آمده‌اند و یا وجود دارند و این شکاف‌ها محل تلاقی‌شان همان گروه‌های تروریستی است که افراد را جذب می‌کنند. شکاف سیاسی زمینه‌ای است برای آن که کشورها و گروه‌های مخالف یک‌گویی حکومتی با تکیه بر تروریسم در جهت رسیدن به اهداف خود برآیند. ولی از آن جهت که تداوم فعالیت‌های تروریستی در مقابله با دولت‌ها نیازمند نیروی انسانی و قدرت مالی است، تروریسم از حالت محلی به منطقه‌ای و جهانی تبدیل می‌شود تا بتواند منابع مورد نیاز را از خارج منطقه تامین کند و برای همین تروریسم تشدید می‌شود. با این حال و همانطور که گفته شد شکاف سیاسی تنها شکاف اصلی نیست که میتوان به آن استناد کرد و شکاف مذهبی هم بعنوان شکاف اصلی شناخته شده است و بعد از آن شکاف‌هایی نظیر آنچه در پژوهش گفته شد، باعث می‌شود تروریسم تشدید شود. به بیان بهتر شکاف سیاسی در دهه اول انقلاب شکاف اصلی بوده است و در دهه های بعدی (بعد از دهه ۶۰)، شکاف مذهبی جای شکاف سیاسی را گرفته است. اگر بخواهیم نتیجه‌گیری خود را به صورت نمودار به تصویر بکشیم به صورت نمودارهای زیر است:

نمودار ۱: تحلیل اقدامات تروریستی دهه اول انقلاب



نمودار ۱: تحلیل اقدامات تروریستی بعد از دهه شصت



در نمودارهای فوق و در راستای فرضیه و نتیجه پژوهش و هم چنین مطابق با داده‌های پژوهش، ریشه تروریسم به شکاف‌هایی برمی‌گردد که در داخل ایران و در خارج از ایران وجود دارند. شکاف‌هایی که به عنوان شکاف اصلی و فرعی شناخته شده‌اند. شکاف‌های سیاسی و مذهبی از نوع شکاف‌های فعال، ساختاری و تاریخی هستند که در ایران وجود داشته و بر محور این شکاف‌های اصلی و دیگر شکاف‌های فرعی تروریسم به وجود آمده است. اما بحث اصلی این است که شکاف‌های موجود در دسته فعال متراکم هستند که این شکاف‌ها همانطور که مشخص است بر هم بار شده و باعث تعمیق تروریسم شده‌اند. در واقع شکاف سیاسی و شکاف مذهبی شکاف‌های اصلی بوده‌اند و انواع مختلف شکاف فرعی که برخی از آن‌ها در پژوهش مورد بررسی قرار گرفت مثل شکاف جنسیتی، نسلی و اقتصادی و اجتماعی که بر شکاف اصلی بار شده‌اند و به نحوی کشمکش از نوع مسلحانه علیه ایران گسترش پیدا کرده است.

برای مقابله با این تهدیدات و از بین بردن زمینه‌های تروریستی، در گام اول در بُعد داخلی، دولتی قوی است که بتواند زیرساخت‌های اقتصادی را تقویت کند و ظرفیت‌های خود را برای پاسخگویی به نیاز نسل نوین توسعه دهند و همین‌طور نیروی کارآمد اطلاعاتی و نظامی را در اختیار داشته باشند تا بتواند با زمینه‌ها و پدیده تروریسم مقابله کنند و این مساله مستلزم توجه بیشتر به شکاف‌هاست. اما در بُعد بین‌المللی نوعی همگرایی اقتصادی و امنیتی بین کشورها لازم است تا تروریسم از بین برود. این مسئله نیاز به همگرایی در منافع ندارد، بلکه نیاز به همگرایی امنیتی دارد و برای اینکه تهدیدات امنیتی از بین برده شود، نیازمند همگرایی و همکاری کشورها در سطح منطقه و نظام بین‌الملل و همچنین استفاده از ظرفیت‌های نسبی یکدیگر برای

پاسخگویی به نیازهای روز است.

موارد مهم برای مقابله با تروریسم به صورت خلاصه عبارتند از:

- ۱- تقویت قدرت نظامی و دفاعی در تمامی سطوح
- ۲- تقویت و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و تلاش برای بهبود معشیت مردم در سطح ملی
- ۳- گسترش همکاری‌های ملی در سطح منطقه و جهان برای نابودی تروریسم
- ۴- افزایش توان و سطح قدرت نرم به منظور مقابله با تبلیغات این گروه‌ها
- ۵- بستر سازی بیشتر برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و تقویت مبانی مردم‌سالاری
- ۶- تلاش‌های همه‌جانبه برای کاهش و حذف بازیگران فرامنطقه‌ای به منظور همکاری کشورهای منطقه برای مقابله با تروریسم
- ۷- شناسایی شکاف‌ها و تلاش در جهت کاهش تاثیر شکاف‌های موجود
- ۸- انجام اقدامات پیشگیرانه در سطح منطقه، زیرا بستر فعالیت بیشتر گروه‌ها در خارج از ایران است. جمهوری اسلامی ایران تا کنون اقدامات بسیاری در جهت مقابله با تروریسم و همچنین کاهش زمینه‌های داخلی عضویت در این گروه‌ها را انجام داده است با این حال لازم است بیش از پیش بر این موضوعات و زمینه‌های آن توجه داشت.

منابع

- آجیلی، هادی؛ مبینی کشه، زهرا (۱۳۹۵). بررسی علل پیوستن جوانان اروپایی به داعش، پژوهشنامه رسانه بین الملل، ۱(۱)، ۲۱۷-۲۳۸.
- آرمسترانگ، کارن (۱۳۹۶). بنیادگرایی دینی (پیکار در راه خدا، در یهودیت، مسیحیت و اسلام). آرنه، هانا (۱۳۵۹)، خشونت، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: خوارزمی.
- براتی‌پور، مهدی (۱۳۹۴). مدیریت بحران‌های سیاسی در فرآیند تثبیت انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج ۱.
- بشیری، حسین (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
- بشیری، حسین؛ قاضیان، حسین (۱۳۸۰). بررسی تحلیلی مفهوم شکاف‌های اجتماعی، پژوهشنامه علوم انسانی، ۸(۳۰)، ۳۹-۷۴.
- بصیری، محمد علی؛ آقامحمدی، زهرا؛ فلاحی، احسان (۱۳۹۵). بسترهای شکل‌گیری و تداوم تروریسم در غرب آسیا مطالعه موردی داعش در عراق و سوریه، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵(۱۹)، ۷۰-۵۲.
- بهرامی، سیامک (۱۳۹۵). برسازگی اجتماعی و ریشه‌های تروریسم در خاورمیانه، کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- خامه‌یار، عباس (۱۳۹۰). ایران و اخوان‌المسلمین، عوامل همگرایی و واگرایی، تهران: اندیشه‌سازان نور.

ریعی، علی (۱۳۸۹). شکاف درآمدی، دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار؛ مطالعه موردی ایران، راهبرد، ۱۹(۵۷)، ۱۵۵-۱۸۰.

روآ، اولیویه (۱۳۷۸)، اسلام سیاسی، ترجمه حسین مطیعی امین، محسن مدیر شانه‌چی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.

روشندل، جلیل (۱۳۶۸). امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: سفیر.

ساجدی، امیر (۱۳۹۵). ریشه‌یابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر گسترش تروریسم در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۹(۳۳)، ۱۳۹-۱۶۰.

سردارنیا، خلیل الله؛ صفی‌زاده، رسول (۱۳۹۷). واکاوی جایگاه زنان در گفتمان جنسیتی داعش، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۲۶)،

طیب، علیرضا (۱۳۸۲). تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، نویسندگان: جیمز دردیان و دیگران؛ ترجمه: وحید بزرگی... {و دیگران}. تهران: نشر نی

قریشی، سید یوسف؛ احمدنژاد، فاطمه (۱۳۹۷). زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلائل پیوستن زنان اروپایی به داعش، علوم سیاسی، ۱۴(۴۳)، ۱۰۷-۱۳۲

قیصری، نوراله (۱۳۹۱). راهبردهای امنیت پایدار بین‌الملل، منطقه‌ای، داخلی امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات امنیت پایدار، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هويت)، ج ۲، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.

کیلی، ری؛ فیلی، مارفیت (۱۳۸۰). جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورانی بیدخت، محمدعلی شیخ علیان، تهران: وزارت امور خارجه.

کیوان حسینی، سید اصغر؛ محفوظیان، سید جمال (۱۳۹۸). افراط‌گرایی مذهبی و بحران امنیت انسانی در خاورمیانه مطالعه موردی عراق و سوریه (۲۰۱۴-۲۰۱۸)، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۹(۴)، ۷۳-۹۱.

ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). چهره‌های متغیر امنیت ملی، (ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

معیدفر، سعید (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی: (بررسی شکاف نسلی در ایران)، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۲۴)، ۵۵-۷۹.

اسماعیل زاده، یاسر (۱۴۰۰). تاثیرپذیری تروریسم از شکاف های اجتماعی در جنوب شرق ایران، ششمین کنفرانس علمی رهیافت های نوین در علوم انسانی ایران.

نظری، علی اشرف (۱۳۹۶). روش پژوهش و نگارش علمی راهنمای عملی. تهران: دانشگاه تهران.
کنت نیوتون، جان ون دث (۱۳۹۰). مبانی سیاست تطبیقی (دموکراسی های دنیای نوین)، ترجمه خلیل الله سردارنیا، شیراز: دانشگاه شیراز.

پایگاه اطلاع رسانی جماران، ملیت اعضای داعش بیشتر از چه کشورهایی است؟، تاریخ نشر: ۱۳۹۶/۵/۱۰
<https://www.jamaran.news/59/714228>

خبرگزاری شبستان (۲۰۱۵/۱۰/۲۲). سرویس جهان اسلام، مشهورترین تروریست های زن سعودی تبار چه کسانی هستند؟، قابل دسترسی در: <http://shabestan.ir/detail/News/495773>

گروه سیاست خبرگزاری مشرق (۱۳۹۷/۶/۳۱). با گروهک عامل حمله تروریستی اهواز آشنا شوید، قابل دسترسی در: <https://www.mashreghnews.ir/news/895334>

خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۹ / ۳ / ۱۲). مروری بر اقدامات سازمان مجاهدین خلق در تابستان ۶۰، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/new/99031207156>

پرسمن (۱۳۹۲ / ۵ / ۱۶). خیانت های سلطنت طلبان؟، قابل دسترسی در: <https://www.porseman.com/article/150152>

ایسنا (۱۳۹۷/۷/۲۲). مروری بر حملات تروریستی پس از انقلاب، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/97072212000>

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۸/۱۲/۱۴). فهرستی از جنایت های سازمان منافقین در سراسر ایران، قابل دسترسی در: <https://irdc.ir/fa/news/5637>

تابناک (بی تا). جیش العدل را بهتر بشناسید، قابل دسترس در: <https://www.tabnak.ir/fa/tags/9295>

دنیای اقتصاد (۱۳۹۹). دانشمندان ایرانی که ترور شدند را بشناسید، قابل دسترس در: <https://donya-e-eqtasad.com/۳۷۱۵۴۷۰>

Adelaja Adesoji & Justin George (2020). Is Youth Unemployment Related to Domestic Terrorism?. Perspectives on Terrorism , October 2020, Vol. 14, No. 5 (October 2020), pp. 41- 62

Buzan, Barry. (1991) People, State and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post Cold War Era. London: Pearson.

Crenshaw Martha (1981). The Causes of Terrorism /Comparative Politics, Vol. 13, No. 4. (Jul., 1981), pp. 379-399.

- Schinkel, Willem (2009). On the concept of terrorism/ Feature Article: Theory and Practice. Contemporary Political Theory Vol. 8, 2, 176–198
- Smith, Steve. (2006). The Concept of Security in a Globalizing World,” in Patman, Robert, ed. Globalization and Conflict. London and New York: Routledge.
- UNODC (2017). *Handbook on Children Recruited and Exploited by Terrorist and Violent Extremist Groups: The Role of the Justice System*. Publishing production: English, Publishing and Library Section, United Nations Office at Vienna. PP:1-160
- Polkinghorne, D. (1983). Methodology for the human sciences. Albany, NY: Human Sciences Press.